

غیر محرمانه

بازداشت بازیگر صداوسیما

محمد صادقی، بازیگر که با انتشار فیلمی از خود ماموران پلیس را تهدید کرده بود. صبح دیروز ماموران اطلاعات تهران برای دستگیری او راهی خانه‌اش در شرق تهران شدند. این فرد وقتی متوجه حضور ماموران شد، قصد داشت خود را از طبقه سوم به پایین پرت کند که با حضور امدادگران آتش نشانی و مقام قضایی از تصمیم خود منصرف و دستگیر شد.

اعتراض روزنامه دولت

روزنامه ایران هم به فیلم تذکر حجاب در خیابان اندرزگو واکنش نشان داده و آن را باعث ایجاد رعب و وحشت دانسته و تهیه‌کنندگان را «نفوذی» خوانده است. روز شنبه فیلمی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که نشان می‌داد فردی در مواجهه با زنانی که حجاب بر سر نداشتند با گفتن جملات تهدیدکننده‌ای مانند «یا روسری‌ات را سر کن یا سوار ون شو» و «اگر معتقد به آزادی هستی دست همه سارقین و متجاوزین را باز می‌گذارم تا حساب تو کف دستت بگذارند» خواستار مراعات حجابشان می‌شد. ویدیویی که علی‌رغم نشان دادن چهره زنان بی‌حجاب در آن، حتی صدای فرد تذکردهنده احتمالاً برای شناسایی نشدن و در عین حال ایجاد نوعی فضای رعب و وحشت تغییر داده شده بود و با واکنش‌های اعتراضی متعددی مواجه شد.

تکذیب شهادت یکی از تکاوران سپاه

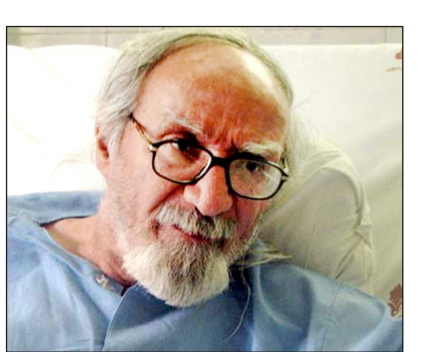
شهادت تکاور پاسدار هادی خضریی تکذیب شد. از روز شنبه خبری مینی بر شهادت هادی خضریی از نیروهای تیپ ویژه صابرین نیروی زمینی سپاه در فضای مجازی منتشر شد. پیگیری‌های تنسیم از یگان صابرین حاکی از آن است که این خبر کذب بوده و اقسای خضریی در صحت و سلامتی کامل مشغول خدمت در تیپ ویژه صابرین نرسا است.

مرگ هر هفته ۱۱ کودک

بر اساس برآوردهای سازمان یونسف، از ابتدای سال جاری میلادی به طور میانگین ۴۲۸ کودک در هفته از شمال آفریقا وارد سواحل ایتالیا شده‌اند. گزارش یورونیوز، صندوق کودکان سازمان ملل متحد «یونسف» اعلام کرد که هر هفته، ۱۱ کودک در تلاش برای عبور از دریای مدیترانه و رسیدن به اروپا جان خود را از دست می‌دهند. طبق این بیانیه، چنین برآوردی، معادل مرگ ۱۱ مفقودشدن ۱۱ کودک در هفته است که در جست‌وجوی امنیت، آرامش و فرصت‌های بهتر برای زندگی هستند.

یاد

یادی از یک نویسنده پر فروش



اسماعیل فصیح یکی از نویسندگان پر مخاطب دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ بود به طوری که می‌گویند با زمان‌ها و ترجمه‌های خود بسیاری از جوانان را به وادی ادبیات جذب کرد.

اسماعیل فصیح - رمان نویس و مترجم - دوم اسفندماه سال ۱۳۱۳ در محله درخونگه تهران (شهید اکبرنژاد فعلی، نزدیک بازار تهران) متولد شد و ۱۴ سال پیش در ۲۵ تیرماه ۱۳۸۸ از دنیا رفت.

ایسنا نوشت، به گفته خودش، بچه چهاردهمی یا شانزدهمی یک کاسب چهارراه گلوبندک بوده و دوران تحصیلات ابتدایی را که حدوداً تا پایان جنگ جهانی دوم در ایران طول می‌کشد، در دبستان عنصری گذراند و سپس در دبیرستان رهنما به تحصیل پرداخت. آن زمان با دوران دکتر محمد مصدق مصادف بود که در ازای دریافت مبلغ ۵۰ یا ۱۰۰ تومان، بر گه معافی می‌دادند و او هم بدین ترتیب، معافی‌اش را گرفت و تا بقیه پولی که از پدرش به او رسیده بود، برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت.

سال ۱۹۶۱ در شهر مزولا به دانشگاه ماتانا می‌رود و مدرک ادبیات انگلیسی می‌گیرد و همان‌جا است که از است همی‌نگوی - نویسنده معروف آمریکایی - را می‌بیند و با او گپی دوستانه و کوتاه می‌زند. فصیح در کتاب «دروازه به علاوه یک» این ماجرا را تعریف کرده که همی‌نگوی پیرو دعوت دانشگاه ماتانا برای سخنرانی به دانشگاه می‌آید و قرار بر این بوده که روز یکشنبه بیست و سوم آوریل، ساعت ده صبح، سخنرانی‌اش را انجام دهد: «آن روز من و آنابل صبح زود به دانشگاه رفتیم تا جای خوبی در سالن پیدا کنیم. نشان به آن نشانی که همی‌نگوی تا ساعت یازده پدیدایش نشد. سرانجام خبر رسید که وارد محوطه دانشگاه شده. لباس اسپورت با شلوار ک شکاری و پیراهن نیم تنه وورزشی به تن داشت. او که در آن زمان شصت‌ساله بود، به سالن اجتماعات نیامد. روی صندلی‌ای وسط چین باغ بزرگ نشست و رئیس دانشگاه استادن هم حریفش نشدند.

همه حضاران، استادان و دانشجویان به صورت نیم‌دایره جلوی‌شان نشستند. من و آنابل در اولین ردیف جا گرفتیم. همی‌نگوی همین که منتظر بود همه سر جاهایشان بنشینند، مدام عیاشی‌ش را از این دست به آن دست می‌کرد و به من خیره شده بود. لابد چون مثل بقیه پسرها موبور و چشم‌آبی نبودم، با صدایی ظریف و کمی زنانه پرسید: «شما کجایی هستی؟»

حتماً فکر کرده بود من با آن خوش پوشی و پوست سبزه اهل آمریکای لاتین هستم. با لهجه آمریکایی گفتم «آیرن»، که البته دو معنی داشت: یکی «ایران» و یکی «من دویدم». با خنده سرش را بالا گرفت و پرسید: «تمام راه را؟ از آسیا تا آمریکا؟»

گفتم: نه، آقا! با انوبوس و قطار و هواپیما. «چه می‌خوانیدی؟»

«زبان و ادبیات انگلیسی. من در تهران کتاب پیر مرد و دریا را خوانده‌ام. در جهان کم‌نظیر است. بهترین زمانی است که تا کنون نوشته شده.»

او سپس به دانشگاه میشیگان می‌رود؛ اما به دلایلی مقطع کارشناسی ارشد را نیمه‌کاره رها می‌کند و به تهران می‌آید و بعد از پنج، شش ماه وارد صنعت نفت می‌شود.

در سال ۱۳۴۲ به مؤسسه انتشاراتی فرانکلین می‌رود و همراه با نجف دریاپندری، با استخدام در شرکت ملی نفت با صادق چوبک آشنا می‌شود. سال ۱۳۴۶ اولین رمانش را با عنوان «شراب خام» می‌نویسد و پیش‌نویش را به دریاپندری می‌دهد و سال ۱۳۴۷ آن را منتشر می‌کند که با استقبال روبه‌رو می‌شود.

فصیح در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ هشت‌ساله ایران و عراق باز نشسته شد و بعد از آن رمان‌های «تاریا در اغما»، «درد سیاوش» و «زمستان ۶۲» را منتشر می‌کند.

او نویسنده‌ای پرکار اما گوشه‌نشین و گریزان از مصاحبه بود و درباره این موضوع گفته بود: «این پرهیز از مصاحبه، واقعیتی است. نویسنده کارش را روی کاغذ می‌آورد و می‌دهد ناشر چاپ می‌کند. هر چه هست، همان‌جا در کتاب‌ها نوشته‌هاست و اگر من بخوام درباره آثارم صحبت کنم، مثل کار همی‌نگوی می‌شود که مثلاً برای هر صفحه‌ای پاورقی می‌دهد و به خواننده می‌گوید که اشتباه نکنی، مقصود من این است. پس هر چه هست، در کتاب‌ها و نوشته‌های یک نویسنده است و هر خواننده‌ای برداشت خود را دارد.»

رمان‌های «فرار فروهر»، «باده کهن»، «اسیر زمان»، «بنا به حافظ»، «کشته عشق»، «طغش خون»، «بازگشت به درخونگه»، «کمدی تراژدی پارس»، «لاله برافروخت»، «نامه‌های به دنیا»، «در انتظار» و «گردابی چنین حایل» و مجموعه داستان‌های «دیدار در هند»، «عقد و داستان‌های دیگر» و «نمادهای موش» از دیگر آثار منتشر شده اسماعیل فصیح هستند.

عکسنامه

عکس، حجت سپینود



خبر

معاون گردشگری خبر داد:

مشوق‌هایی برای صادرات گردشگری

بودجه سال جاری لحاظ شده و از این پس در سال‌های بعدی نیز شامل فعالان این حوزه خواهد شد.

شالباغیان اضافه کرد: علاوه بر این قرار است بخش خصوصی برای حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی گردشگری حمایت شود که گزینه پیشنهادی تامین هزینه حضور شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه‌ها خواهد بود.

او ادامه داد: بازدیدهای ۱۴۰۱ علاوه بر آژانس‌های واردکننده گردشگر خارجی به کشور، بیمارستان‌های دارنده IPD (پذیرنده بیمار خارجی) و آژانس‌هایی را که در حوزه گردشگری سلامت فعال هستند، نیز شامل شده است.

معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در واکنش به برخی اعتراض‌ها نسبت به نحوه پرداخت جایزه صادراتی، اظهار کرد: براساس تفاهم معاونت و سازمان توسعه تجارت، آژانس‌هایی که در سال ۱۴۰۱ به

گزارش

در شب حمید سمندریان مطرح شد

مردی که تمام نمی‌شود

این‌گونه بود و ضعیف‌ترین فرد و بازیگر زیر نظر او به نقطه‌ای می‌رسید که روی صحنه به توانایی برسد. من حقیقتاً تعجب می‌کنم که چرا از من دعوت شده تا درباره استاد حمید سمندریان صحبت کنم و امیدوارم خواسته خودش بوده باشد چون به واقع صلاحیت ندارم. رضا کیانیان سخنران بعدی این مراسم بود. این بازیگر مطرح و با سابقه سینما، تئاتر و تلویزیون نیز در ادامه این مراسم یادآور شد: حیرت‌زده شدم از حضور این همه جوان در این مراسم که شاید حمید سمندریان را ندیده باشند و این حضور نشان دهنده این است که سمندریان همیشه زنده است و جاری. در ابتدا می‌خواستیم از فضایل سمندریان بگویم ولی حلالی می‌خواهیم از انتقاد کنم. وی به عکس حمید سمندریان که برای شب بخارا طراحی شده بود اشاره کرد و گفت: در عکس او حیرت زده‌ام. حیرت شروع خلق است و اگر عکس دیگر حیرت نمی‌کنیم. اینکه هر چیزی را که صدار دیدید باید ببینید و باز هم حیرت کنید یعنی معجزه. الگوی سمندریان همیشه حیرت بود.

کیانیان در ادامه به ذکر خاطره‌ای از خود و حمید سمندریان پرداخت و یادآور شد: وقتی در نمایش «بازی استرنی‌دیرگ» حضور داشتم شخصیت آداگار که من آن را بازی می‌کردم به جایی خیره می‌شد. سمندریان گفت به چیزی باید خیره شوی که از آن حیرت کنی. بعدها که آقای سمندریان در بستر بیماری بود هما روستا پیش نهاد داد که بار دیگر «بازی استرنی‌دیرگ» را اجرا کنیم و من پذیرفتم. وقتی سمندریان خبر اجرای مجدد «بازی استرنی‌دیرگ» را شنید دوباره زنده شد. وقتی پیش او می‌رفتم در تحلیل جدید خود به من گفت که می‌دانی آداگار در آن صحنه به چه چیزی خیره می‌شود؟ آداگار به مرگ خیره شده‌است. وی یادآور شد: دورهای عصر غول‌ها بود. بعد از رفتن آن‌ها دیگر غولی در جهان نبود که به آن‌ها رجوع کنیم. سمندریان یکی از این غول‌ها بود و هست چون شما هستید. در این محدوده ما شاعر و هنرمند و بازیگران و کارگردانی داشتیم که نمی‌شود آن‌ها نقد کرد.

وی ادامه داد: سمندریان خدای تحلیل‌نمایش و نقد بود. چنان جزئیاتی را در نقش به بازیگر گوشزد می‌کرد که در کسی ندیدم اما یک ضعف داشت. فکر می‌کنم نمایش یک کل است یعنی به غیر از بازیگر، کارگردان، متن، طراحی صحنه و نور هم هست. در نتیجه بازیگر به همراه صحنه و نور ناقل مفاهیمی است که به مخاطب منتقل می‌شود. حمید سمندریان به دگور اعتقادی نداشت در حالی که کارگردان باید طراح را بیابورد تا در تمرین‌ها حضور داشته باشد و در طول تمرین‌ها طراحی و دگور نمایش شکل بگیرد. این ضعف سمندریان بود ولی بر عکس دکتر علی‌رفیعی دگور نمایش را در ذهن طراحی می‌کند و بازیگر را در آن قرار می‌دهد و دگور روی صحنه شکل می‌گیرد. دکتر رفیعی بهترین دگور آنو تئاتر ایران است.

گزارش

اینفوگرافیک

راهکارهای مقابله با سرماخوردگی تابستانی

هنگام بیماری استراحت کنید و خوب بخوابید:
فعالیت بدنی خیلی زیاد سیستم ایمنی را مختل کرده و نمی‌تواند با عوامل بیماری‌زای بدنتان، خوب مبارزه کند.

آب و مایعات بیشتری دریافت کنید:
از نوشیدن قهوه و نوشابه‌های انرژی‌زا خودداری کنید و با سبزی و میوه‌های تازه ویتامین و املاح به بدنتان برسانید.

دست‌هایتان را دائم با آب و صابون بشویید:
میکروپ‌ها معمولاً از افراد مبتلا به سالم و از طریق دست منتقل می‌شود و بزرگ‌ترین دفاع رعایت بهداشت است.

مدتی از روز را در فضای باز بگذرانید:
محیط بسته و کولر و پنکه احتمال انتشار ویروس‌ها را بیشتر می‌کنند. زمانی از روز را در فضای باز سپری کنید.

گیاهان و دم‌نوش‌ها را امتحان کنید:
گیاهانی مانند شیرین‌بیان، زنجبیل، سیر، بابونه، پونه، زردچوبه و دارچین می‌توانند سیستم ایمنی‌تان را تقویت کنند.

برای تسکین علائم دارو و مکمل مصرف کنید:
استامینوفن، اسپری‌های ضداحتقان بینی، شربت‌های سرفه و در صورت نیاز مکمل‌های ویتامین C و روی.

